

نویسنده: روب یوری (Rob Urie)
منبع و تاریخ نشر: کونترپانچ (2019-05-24).
برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل»

ایران، ونزوئلا درد متشنج امپراتوری

Iran , Venezuela and the throes of Empire

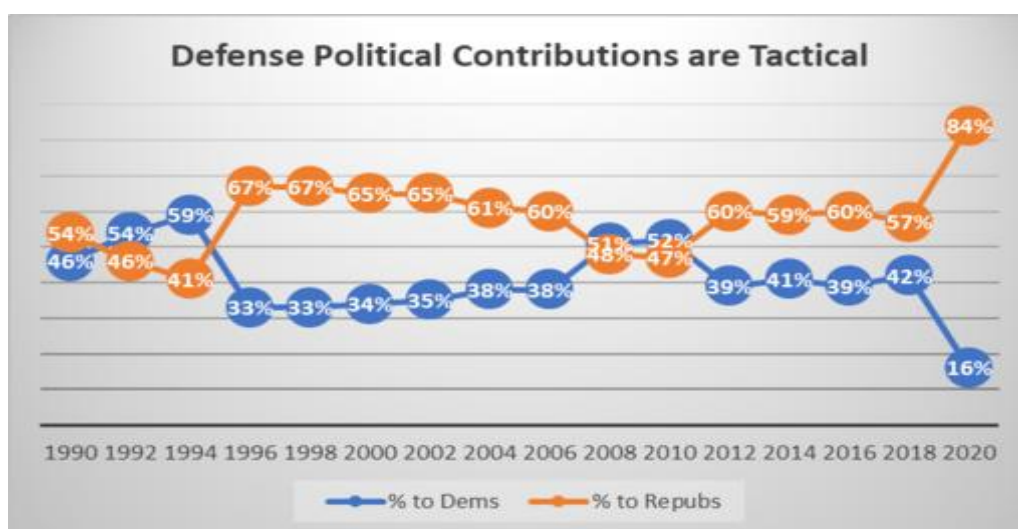


تصویر توسط تانیل سنت کلیر

با این وضعیت که اداره «دونالد ترامپ» دست به تهدید ایران و ونزوئلا میزند و یا که این دو کشور را تهدید میکند؛ سوال و یا مسئله این است که ایالات متحده چگونه و یا که چطور به این جا و یا نقطه رسیده است که باید مورد توجه قرار گیرد و یا که در مورد آن باید اندیشید. در پاسخ به این پرسش چنین استدلال میشود که شرایط کنونی دولت و یا اداره **دونالد ترامپ** از چشم انداز سوابق تاریخی ایالات متحده امریکا در برابر ایران و ونزوئلا ناشی از دخا یر تثبیت شده ای به سطح جهانی از نفت (نمودار زیر) خاص است. در سال (2019) اعتراضی که تحریکات محلی چیزی را فراتر از موضوع سیاسی داخلی توضیح میدهد؛ مضحک و چرند است.

با اینحال؛ ملاحظات سیاسی داخلی؛ توضیح تهدیدات جنگ را به درجه ای بیشتر می‌رساند که رویهمرفته باید منطقی باشد؛ دورکردن ویا در امن نگهداشتن امریکا را از خطرات جنگ ویا منازعات بجای میرساند ویا که مقامات امریکا تصمیم میگیرند که آغاز به ساخت و ساز یک نوع از نهیلیزم (منفی گرایی) کنند و آنهم به این دلیل که میتوان از فنا وری (تکنولوژی) کنونی استفاده بعمل آورند به این مفهوم تا که تعداد زیادی از مردم را بدون آنکه برای امریکا خطری متوجه شود کشت و یا نابود کرد واین خود به این مفهوم نیست که باید باشد؛ همرا با انگیزه های اقتصادی در راه براه اندازی جنگ ها، مرگ، نابودی و بدبختی تبدیل به یک فرصت تجاری دیگری شده است. تا این نقطه در تاریخ؛ جنگ آنچه است که امریکا می‌جنگد یعنی جنگ نوع امریکایی.

بگونه محرمانه تر و به روا و قبول مدارک و شواهد در دست داشته؛ چنین پنداشته میشود که دموکرات های ملی یا ناسیونالست فقط از لحاظ سیاسی دانا یا موشگاف نیستند. دو ویا یک سال ونیم است که اعضای کلیدی از دموکرات ها ناظر بر جنگ در کشورها در برابر دولت **دونالد ترامپ** دست به یک کودتای نرم افزاری زده اند. **دونالد ترامپ** با درک و فهم از موضوع در حال حاضر ظاهراً مزایایی داخلی ناخودآگاه نظاً میگری را زیر پا میگذارد و این کار را از طریق یک مطبوعات اجیر و متملق و مستعد برای حمایت از هرگونه کشت و کشتار غیر قابل تشخیص و منافع تجاری بی شمار که یکسان در آن سهم خود را می‌بیند مطمح نظر او است - بدین سان است که به نظر او ظاهراً جنگ تجاری خوبی است.

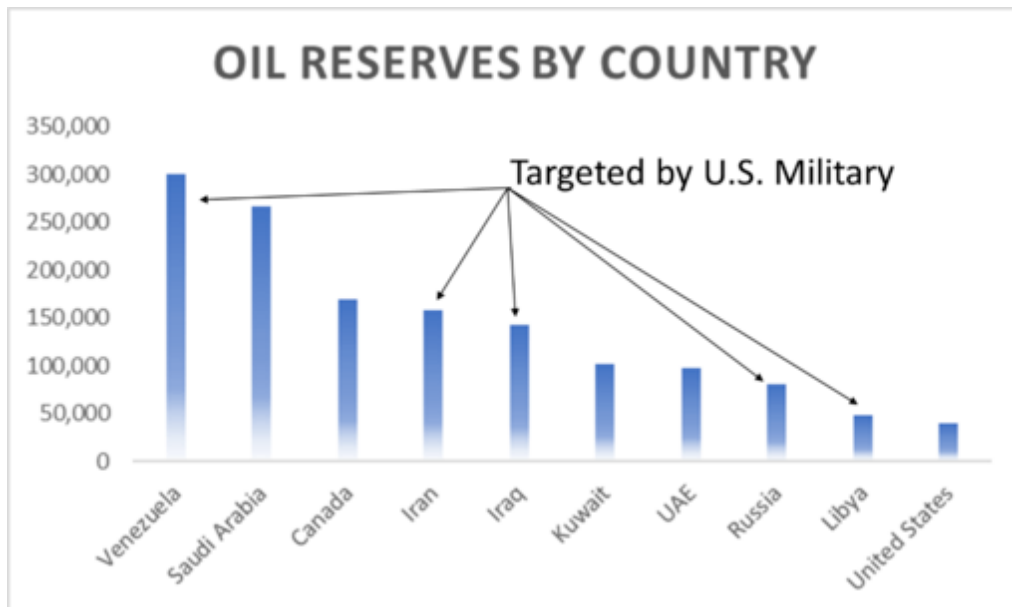


گراف ویا نمودار فوق: صنعت ویا صنایع دفاعی ایالات متحده امریکا در جنگ های هوایی وفضایی بطور کلی در لشکر کشی ویا در براه انداختن یک سلسله عملیات های جنگی به جمهوریخواهان نسبت به دموکراتها بیشتر کمک کننده است یعنی که همچو لشکر کشیها به جمهوریخواهان نسبت به دموکراتها در کمپین انتخاباتی بیشتر کمک

میکند تا جا یکه به نظر میرسد این سهمگیری یک نوع سهمگیری تاکتیکی است - مثلاً هنگامیکه دموکراتها اعم از « بل کلنتون » و « بارک اوباما » در زمان نامزدی شان به ریاست جمهوری در دوره انتخابات ریاست جمهوری مصروف مبارزه بودند تعادل مشا رکت به دموکرات ها منتقل شد ؛ این تاکتیک رقابت های دموکرات ها در کمک رسانی به حفظ منافع افرادی بود که از جنگ سود می بردند منبع <http://www.opensecret>

منطق سیاسی که زمینه مجدد وفاداری را به وحدت ملی ؛ در درهم شکستن تنش های در حال افزایش طبقاتی مساعد ساخت موضوع روسیه گیت (Russiagate) بود کاندید دموکرات ها در سال «2016» خانم (هیلا ری کلنتون) بود کسیکه چندین دهه گذشته را با داشتن مقامی در دولت در وفاداری به جنگ و درگیری سپری کرد که نتایج دوران صعود و معراج او تا به حال تنش های جیوپلیتیک را در حال دوام باقی گذاشته است ؛ او یعنی «هیلا ری» قبلاً در زمان حکومت شوهرش « بل کلنتون » و بعنوان وزیر امور خارجه اداره بارک «اوباما» به صفت یک محرک و تنبه کننده جنگ درآمده بود که هیچ کس نمیتواند از آن چشم پوشی کند. پس در این صورت موضع یا سمت و سو مبارزات دوران انتخاباتی غیرانتفاعی و یا غیرمداخله گرانه ای **دونالد ترامپ** صحیح و مصلحانه و یا فرصت طلبانه (احتمالاً گاردینر (Chance-the Gardiner)) و یا که آگنده از قلب بود که برای پیشبرد اهداف حاضر غیر ضروری پنداشته میشود.

در اینجا هرچانس و یا فرصتی وجود دارد و یا که فرصتی میدهد مبنی بر اینکه آقای **دونالد ترامپ** با توجه به طرح ها و پیشنهادات دولت جنگی اش در ایران و در ونزوئلا با هم درگیر شود. موضوع و یا مورد تجارت و یا داد و ستد که با از بین بردن و کشتن جمعیت وسیع از مردم و حتی در سرقت نجات «مدفوع» از مردم ؛ این کشور یا امریکا بعنوان یک کشور قدیمی شناسایی شده است و دیدگاه امپریالیستی مبنی بر اینکه نفت و گاز در خارج از امریکا نیز متعلق به ایالات متحده امریکا و متحدان امریکا است موضوع و یا چیزی است که آقای **دونالد ترامپ** به راحتی به آن کنار می آید و یا به آسانی این گفته یا موضوع را می پذیرد و حسب گفته ای او این دیکتاتور دیوانه آقای **هوگو چاوئیز** است که ثروت های بدست آمده از فروش نفت ونزوئلا را در تهیه غذا، تعلیم و آموزش فقرا و تنگدستان ونزوئلا به مصرف میرساند و این همان چیزی نیست که الیگارشی های امریکا میخواهند که به آنجا بروند یعنی که الیگارشی های امریکایی مخالف همچو پروگرامی اند که چاوئیز آنرا در ونزوئلا بکار می بندد بنا بر این در حالیکه این ادعای (ما) یعنی که نفت و گاز دیگر کشورها نیز متعلق به امریکا است احساس از جمعیت انبوهی از امپریالیستها است که البته حساب های بانکی از ثروتمندان را با این چنین سردرگمی در بالا قرار میدهد .



توضیح گراف بالا : در اینجا به هیچ یکی از کشورهای که پیرو سیاست خارجی

امریکا در مورد نفت اند به آن اشاره صورت نگرفت و یا که در بین آنها از اهداف کنونی ایران و ونزوئلا که ذخایر نفت شان بخش قابل توجهی از ذخایر نفت جهان را تشکیل میدهد به آن عطف توجه نشد بویژه در این مورد که الیگارش‌های امریکا میخواهند منابع جهانی مانند نفت را در تحت کنترل خود داشته باشند لذا با در نظر داشت این اصل آنها یعنی الیگارش‌های امریکا از دیکتاتورها و از آزادی خواهان ملی همه وقته هراس دارند لذا تبلیغات دوامدار در ارتباط به تاریخ دوامدار جنگ‌های امریکا بغرض دسترسی به منابع کشورهای را نباید از نظر دور داشت. منبع: worldatlas.com.

با توجه به چشم انداز آقای **دونالد ترامپ** در دوره انتخابات ریاست جمهوری سال (2020) به ارتباط پیوستن از مظنونان جنگ طلب و یا جنگجویان حلقه زده در اطراف او دو مورد قابل دقت است. **نخست** : که باید آنها را از نظر سیاسی به عقب برگرداند ؛ رای ویا (vote) ضد مداخله گران که در انتخابات او به عنوان رئیس جمهور امریکا کمک کردند ،موقف ویا رای آنها بود که تا یک دهه ویا بیشتر از یک دهه بعد از آنکه **جورج دبلیو بوش** دفتر را ترک کرد به آن نه رسیده بود یا ناپایان مده بود ؛ بنا بر این حرکت او به سمت نظا میگری احتمالاً او را بطور سیاسی لطمه نخواهد زد تا آنکه مگر کیسه های انتقال اجساد از میدان جنگ انباشت و متراکم نگردد **دوم** اینکه چنین حرکتی ، حمایت از دموکرات ها را از تولید کنندگان سلاح و صنعت نفت و گاز منع خواهد کرد. همانطور که در گراف بالا ملاحظه میشود مشارکت صنایع دفاع به نظر میرسد که یک نوع تاکنیک است.

در حال حاضر برنامه بازی جنگ سرد به اندازه کافی در برداشتن ویا زدودن گردوخاک از روی آن بخاطر حمایت از جنگ‌های بعدی علیه دشمنان ثروتمند که به پیش برده میشود برداشته شده است. و منافع سیاسی و تجاری امریکا در حال تبدیل

شدن به تعیین و یا انتخاب اهداف سودآورا ست که تامین همچو منافع از طریق وضع تحریم های اقتصادی (به مفهوم جنگهای منفعل) علیه ایران و ونزوئلا اعلام شده است. اقتصاد دان معروف مارک ویست بریست (Mark Weisbrot) براین باور است که این تحریم ها موجب مرگ و میر بیش از (40000) غیرنظامیان در ونزوئلا از سال (2018) به اینطرف شده است. در دوران زمامداری دونالد ترامپ که از اوایل سال (2018) علیه ایران دست به تحریم زده است کنون مردم این کشور را در معرض آسیب پذیرترین وضع قرار داده است.

وضع این تحریم ها در تیوری چنین فرضیه و یا استدلال را مطرح میکند که اگر افراد بقدر کافی گرسنه و یا به اندازه کافی بیچاره و تهی دست شوند؛ در آنوقت است که پیا مدهای سیاسی ناشی از همچو تحریم ها در نهایت امر راه خود را می یابند و یا که منتج به راهیابی میشود و آن اینکه رهبران و یا زمامداران سیاسی آن کشورهای در تحت تحریم از روی مجبوریت به خواسته های تحریم کننده ها دست ان خود را برسم تسلیمی باید بلند کنند؛ مثل وقتیکه بیل کلنتون در دهه (1990) علیه عراق دست به تحریم های اقتصادی زد ناشی از این تحریم ها در حدود نیم میلیون زنان و کودکان عراقی در اثر گرسنگی و بیماری های قابل درمان به تاثیر گذاری حد اقل بر اقدامات صدام حسین (دارایی سابق سیا) زندگی خود را از دست دادند. کنون دونالد ترامپ قسمیکه بل کلنتون در ایالات متحده امریکا تلاش کرد و بودجه در بخش خدمات امنیت شبکه اجتماعی را کاهش داد که به تاسی از آن مردم فقیر و ناتوان و آسیب پذیر را از دسترسی به غذا و درمان محروم ساخت نیز اقدامات مشابه را پیاده کرد و وجوه و یا بودجه خدمات اجتماعی را در ایالات متحده امریکا کاهش داد.

این موضوع یعنی وضع تحریم برای اکثر امریکایی ها چیزی معمول است؛ چراکه از پیامدهای ناگوار که بر انسان ها تا ثیر میگذارد اکثر امریکایی ها در مورد آن چیزی واضح نمیدانند و یا از آن اغفال میکنند. تحریم های اقتصادی در زمان های قدیم (محاصره) نامیده میشد و محاصره به ذات خود بعنوان یک تکنیک جنگ بخاطر تسلیم شدن جانب در تحت تحریم شناخته میشد. ارزش سیاسی آن در تمایز اخلاقی مشکوکی بین گرسنگی فعال و غیر فعال شکنجه و قتل است - پس اگر افرادی که در اثر وضع و یا بکار بستن تحریم های امریکا در دهه (1990) کشته شده باشند و یا بصورت انفرادی در تحت ضرب و شتم قرار گرفته باشند؛ این امر احتمالاً در ایالات متحده منجر به تحریک سیاسی شده میتوانست این ایگون (شمایل) بارک «اوباما» ای لیبرال بود که تحریم های اقتصادی را علیه ونزوئلا در سال (2015) بکار بست که به اینصورت این خود نشاندهنده مجدد استفا ده دوجا نبه از جنگ بود.

قابل تذکر است مبنی بر اینکه این خود دلیلی شده نمیتواند که در براه اندازی جنگ بین احزاب سیاسی تفاوت های چشمگیری وجود داشته باشد. ولی رویهمرفته از مدت

دو ویا یک ونیم سال گذشته است که برخی نمایندگان با داشتن حق جیو پولیتیک خود بر سیاست های جاری **دونالد ترامپ** به تهاجم و حملات لفظی پرداخته اند یعنی این نمایندگان با جرأت و دلیری در مقابل رهبری این دولت جنگ طلب دیدگاه های خود را روشن ساخته اند مانند **جیمز کلپر (James Clapper) جان برنن (Hihn Brennan)** و **رابرت میولیر (Robert Mueller)** که از نظر سیاسی به تضعیف فضای سیاسی **دونالد ترامپ** پرداخته اند و بر خطوط سختگرانه تهیه شده او صریحاً انتقاد نموده اند و در مورد توضیح داده اند که چرا او با لفاظی های ناسیونالیستی چپ گرایانه می پردازد از اینکه در مبادی از تبلیغات جنگ های دولتی در چوکات جیو پولیتیک چگونه ناراحت کننده همچو الفاظ را تعبیه میکند .

به ارتباط موضوع چنین اشاره شده است که این وظیفه تولید کنندگان سلاح و صنایع نفت و گاز نیست که انگیزه های جیو پولیتیک را برای محاسبات سود و زیان کاهش دهند. پس از پایان جنگ جهانی دوم؛ ترس در میان مقامات امریکایی این بود که ایالات متحده به بحران ویا به رکود بزرگ و ژرف فرو میرفت **کنیزگرایی** (نظریه اقتصادی کلان است که بر مبنای ایده های اقتصاد دان انگلیسی **جان مینارد کنز** بنا شده است **توضیح از ویکی پدیا**) نظامی را روی دست گرفتند یعنی با استفاده از هزینه های دفاع فدرال برای ایجاد شغل و درآمد سود؛ جنگ را به یک بیزنس ویا تجارت تبدیل کردند یعنی که جنگ، جنگ تجارته شد - هژمونی سرمایه داری از دیدگاه **گرامشی** مارکسیست؛ ملیتاریسم صفات اخلاقی دولت جنگ میباشد و تا زمانی که اقتصاد سیاسی دور از دسترس نباشد؛ نظامیگری بعنوان کمترین مقاومت برای سیاستمداران امریکایی باقی خواهد ماند.

دونالد ترامپ با در نظر داشت محدود و فکری توجه خود را همچو یک حشره (*gnat* = مگس کوچک) دوباره شبیه به یک پشه است که دارای خصلت دوگانه یعنی نیش زنی و نیش نه زنی بوده و بگونه وصفی به سلوک و رفتار جمعی و مزدحم متمایل میباشد). تا جایکه مقدور است این هژمونی را به چالش و مسابقه کشانده است که با این عمل خود لیبرال ها پیش کسوتان و دموکرات ها را از هرچانسی که در اختیار دارند علیه خود به مبارزه کشانیده است؛ اعمال او مثلاً نرمش و دیتانت با کره شمالی؟ پیمان شکنی ویا نرمش علیه روسیه؟ خیانت به ولیگارش و به منافع تجاری دولت جنگی که بگونه ای نامریی در کنش و واکنش خود با دولت های فوق بکار انداخته است ویا طی طریق میکند. و همچنان در کنار آن جنگ (منفعل) علیه ایران با جمعیت (83) میلیون انسان و علیه ونزوئلا با رقم نفوس (32) میلیون وضع را مغشوش ساخته است و نه بطورشگفت آور از گذارش های اولیه پیدا است که تلفات غیر نظامیان بویژه آسیب پذیرترین ها و کمتر قدرتمندترین ها ناشی از جنگ منفعل لطمه بزرگ می بینند. که این همه ناگواریها محصول سیاست **اقای دونالد ترامپ** است .

همانطوریکه **دونالد ترامپ** در اینجا به درستی اشتباه و یا خاطر نشان ساخته است ؛ صنعت نظامی ایالات متحده به دنبال فشار بخاطر درگیری در جنگ است . رابطه بین اهداف جنرال های امریکایی و روسیه گیت (Russiagate) در آنها مات (جای پای) ایران در خاورمیانه دیده میشود . و از طریق روابط دولت موکل یا دولت مشتری «جای پای ویا رد پای» نیز رد پای روسیه است . شطرنج قدیمی جنگ سرد که با امپراتوری شیطان در حمایت از «دیکتاتورها» در ونزوئلا و ایران تکمیل شده است ؛ دوباره تصور شده است اما متأسفانه که مجدداً مشخص نشده است ؛ مشکل این نیست که این ساخت (فریم) اشتباه است ؛ بلکه مسئله از این قرار است که در این زمینه توضیحات موثق و قابل اثبات دیگر نیز وجود دارد .

طوری که اکنون فکر میشود جنگ سرد بیش از هر چیزی دیگری یک شرکت تجاری بود و به نقل قول گمراه کننده تری که متوجه شدیم دریافتیم که آیا این موضوع برای تحریم کردن روسیه بهانه ویا حيله نیست ؟ حسب گفته ای **هرمان گورینگ (Hermann Goering)** در سال (1946) : مردم همیشه متوجه هدایت و پیشنهادات از سوی رهبران خود میباشند که به آنها چه هدایای تی رابه ارمغان می آورند و اینها به تحقق و به انجام این همچورهنمود به اصطلاح متبرک براحتی دست بکار میشوند تا جاییکه حتی این رهبران آنها را دستور میدهد که علیه کسانی به مخالفت و تهاجم بپردازند یعنی بالای صلحجویان که به نظر آنها فاقد روحیه وطنپرستی اند و کشور را به تهلکه مواجهه میسازند این نوع دستور توسط رهبران حاکم و مسلط در هر نقطه ای از جهان به پیروان شان داده میشود یعنی هدایات گمراه کننده به نفع ثروتمندان ..

پدیده ای روسیه گیت (Russiagate) برای بازگرداندن ثبات سیاسی و نگهداری از ثروت سرمایه داران با بکار بردن ویا با ترویج کارها و فعالیت های مرگ اور و مخرب بخاطر تامین منافع طبقات الیگاریشی امریکا مورد استفاده قرار گرفت ، هنگامیکه دستگیره جنگ به آب های آزاد با زمیگر ددمتصدیان ویا مسولان و اشنگتن پس از آن از آب درمی آیند و بعنوان جاگزین به ایجاد سازمان (سی آی ای) و (MI6) دست بکار میشوند که البته این سازمانها با تاریخ ویا پیشینه خود به بهانه جلوگیری از نفوذ کمونیزم و بخاطر سرنگون کردن دولت های منتخب دموکراتیک ؛ سرقت و دسترسی به منابع طبیعی کشورها و پیشگیری از افزایش به حداقل اصلاحات در پرداخت دستمزدها به اقدامات بدون وقفه خود می پردازند - اما آنچه که قابل تذکر است این است که مفهوم جنگ سرد بگونه مستدل بعنوان تحریک ایدیولوژیک نتوانست کمکی کند .

اما این خود دوباره نشان میدهد که روابط پیچیده و انگیزه ها در کار نیست . با اینحال (شما به چه اندازه مردم احمق هستید) که چرا از خود نمی پرسید که ونزوئلا دارای بزرگترین ذخایر نفت ثابت در جهان است ؟ و ایران چهارمین کشور در جهان از نظر ذخایر نفت خود است - **جان بولتون** صریحاً اظهار داشت که هدف از تغییر رژیم

درونزویلا کنترول بر نفت ونزویلا است- روسیه دارای مقام هشتم از ذخایر نفت به همراه دسترسی ستراتیژیک به بازارهای عمده اروپا دارد و بیجا نبود که بارک «اوباما» در سال (2014) یک کودتا را در همان اکر این انجام داد که روسیه و مشتریان اروپایی آنرا در یک جغرافیای نزدیک باهم قرارداد داده است .

بهر صورت ، افزون بر آن گرچه که ایران در سابق یک کشور مستعمره و یا یک کشور مشتری بود ، اما بعد از انقلاب سال (1979) ایران به ایالات متحده امریکا لگد دیپلماتیک تحویل داد و اسرائیل را بعنوان یک دولت موکل و یا مشتری در منطقه محاصره کرد . البته که قبل از همچو حوادث یعنی در سال (1953) ایالات متحده امریکا و بریتانیا یک کودتا را پس از انتخاب **مصدق** رهبر دموکراتیک مردم ایران با این هدف که از ملی کردن نفت ایران جلوگیری بعمل آورند براه انداختند و این کودتا را با مقصد پیشگیری از نفوذ کمونیسم بمنصه اجرا گذاشتند که در اصل دسیسه ای بخاطر دسترسی و کنترول بر نفت ایران بود . و نباید از یاد برد که رهبران نیوکان از جمله **دیگ چینی** و **دونالد رامسفلد** کسانی بودند که به ارتباط برنامه ای هسته ای ایران از قبل به کار و فعالیت تخریبی شان آغاز کرده بودند .

اظهارات و یا ادعاهای که **دونالد ترامپ** مبنی بر انحراف از تاریخ امریکا و سیاست های قبلی و اهداف جنگ بر کارگزاران صنعت نفت و گاز امریکا شمشیر از نیام میکشد بر اساس تکنیک های فنی بوده نه بر اساس تفاوت های سیاسی همانند در مورد ایران نیوکان ها (محافظه کاران امریکایی) کار و فعالیت شان را به نیت ایجاد برنامه تسلیحاتی اسرائیل تحت عنوان تا مین صلح از راه اتم را آغاز کردند که از سال (1950) تا سال (1960) تکمیل شد . و اینرا نیز نباید از یاد برد که وقار و عزت امریکا در توأم بودن رابطه با اسرائیل روحیه ای خاصی از فرهنگ ، دوران یا جامعه به مثابه اعتقادات و آرمانهای آن است . که از نقش یک دولت مشتری ایفا میشود از آنجا یکه این دولت در صنایع نفت و گاز و توزیع سلاح های امریکایی نقش بخصوص خود را دارد .

اسرائیل بعنوان یک کشور مشتری یا یک کشور موکل و یا بمتا به یک کشور خدمت گار به دنبال الیگارشی های امریکایی نقش اقتصادی را ایفا میکند . که به نوبه خود صنایع وابسته را پشتیبانی میکند یعنی که آن صنایع را که اسرائیل به آن وابسته است و آنرا پشتیبانی میکند وجه مالی قابل ملاحظه ای را بدست می آورد قدرت و نفوذی را که اکنون اسرائیل بالای سیاستمداران امریکایی دارد ؛ این قدرت در نهایت امر از دسترسی اش به هزینه ها یا وجوه مالی نظامی و صنایع عمومی نفت و گاز امریکا بدست می آید . و این همان شرایط است که صنف سیاسی ایالات متحده امریکا نیز در همین گونه شرایط قرار دارند و به صنایع نفت و گاز و نظامی امریکا متکی هستند . هزینه ها و یا مصارفاتی که در بخش تبلیغاتی بمصرف میرسد پولی است که شرکت های خصوصی و شرکت های نفت و گاز به بودجه فدرال تحویل میدهند . و نفوذی که

آنها در اختیار دارند این است که هزینه های دولتی و یا مصارف دولتی توسط کمک های خصوصی تمویل میشود ؛ منشی که ظهور میکند برای خود منافع شخصی است که برایش سود مند است .

چیزی کم و زیاد از دو سال به اینطرف است که دونالد ترامپ از سمت راست تحت طعنه و یا سرزنش قرار دارد و جانب چپ توپ را به تصرف خود آورده اند ؛ چونکه آنها راه ضد مدافعان برگزیده خود را از پُست هیتچین (*Hitchin* = یک ستا ندارد ثابت و غالباً دقیقی است که میتواند از تخریب یک تیم جلوگیری بعمل آورد) دریافته اند ؛ حالنکه برای حل و فصل موضوع ضرور پنداشته میشود سوال جامع متالورژی (*metallurgical*) طرح گردد و یا مورد بحث قرارگیرد تا جایکه او در زمان کمپین انتخابات ریاست جمهوری خود سوال را به پیش کشید آن سانیکه یک مرغ رنگه علایم به پایان رسیدن اواخر بها را تفسیر کند و یا نشان دهد ؛ گسترش و اساس تاریخچه امریکا را انعکاس داد- طرحی که به نظر میرسد طرح تجدید شده مورد توجه قرار میگیرد . و از این طرح تجدید نظر چنین پیش بینی میشود که موفقیت ها اتفاق نخواهد افتاد چونکه جمهوریخواهان نمایندگان مجلس سنا را نه تنها که در تحت کنترل خود قرار میدهند بلکه اگر ضرورت اقتاد بعضی از نمایندگان را محکوم به حبس نیز خواهند کرد- که ما یک پنس (*Mike Pence*) ریس جمهور شود و ما جو بایدن (*Joe Biden*) یعنی چه؟ اگر این اصل را در نظر داشته باشیم به این پرسش دست میزنیم که پارک «اوبا ما» چرا دولت جورج دبلیو بوش را به نسبت جرایم جنگی و مدیران والستریت را به نسبت جرایم مالی تحت تعقیب قرار نداد؟

رویه مرفته چنین به نظر میرسد که این انتخابات پیشرو توام با خشونت با شک و تردید همراه خواهد بود یعنی که اگر شما میخواهید که در این انتخابات دموکرات ها ببرند پس به سبیل مضحک انتخابات لعنتی خواهد بود که برنده ای آن دموکرات ها باشد . سوال مربوط انتخابات از سال (2016) که در آینده های نزدیک به زودی مطرح خواهد شد این است : که ما چگونه از شر این اشخاص رهایی خواهیم یافت و آن به این معنی که چرا تمام موسسات سیاسی در این انتخابات سهم نداشته باشند که در غیر این صورت ایا ما واقعاً برای مدت چهار و یا هشت سال دیگر دموکرات ها را نخواهیم داشت که به این جنگ نظامی امریکا نقطه پایان گذارند ، بحران روبه تزايد اقلیم مراقبت های ناگوار صحتی و سیستم های آموزشی و اقتصادی و سیاسی غرور آمیز میان تهی را به پایان رسانند و یا بر آنها خط بطلان کشند - پس طرح و سبک مغزی از روسیه گیت این است که هر جنجال و یا هر پرابلم عاید را باید از راه برخورد نظامی حل کرد؟ و اکنون کاملاً شگفت انگیز است که آقای دونالد ترامپ خودش ؛ خود را برای این کار قرار میدهد و یا خود را بعنوان از بازیکنان خوب به معرفی میگیرد .

